دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون
۱۰ اسفندماه ۱۳۹۶
دارای مجوز ISC وزارت علوم ۹۶۱۷۱ - ۰۳۰۰۱
اولین کنفرانس ملی دستاوردهای پژوهشی در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی
1 March 2018
www.kaues.com
1st National Conference on Research Achievements in Psychology, Educational Sciences & Humanities

بررسی تدوین برنامه درسی آموزش عالی در ایران

سید احمد هاشمی
دانشیار و عضو هیات علمی، گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد. ایران
Hmd_hashemi@yahoo.com

رضا غلامیان
دانشجوی دکتری تخصصی گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران
Reza7659@yahoo.com

چکیده

هدف از این مطالعه شناخت، سازماندهی و شکل دهی فعالیت های آموزشی در حیطه یادگیری است. فهم برنامه درسی شاخه ای از علوم تربیتی است. برنامه ریزی درسی یکی از مهمترین شاخه های مطالعات برنامه درسی که به تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه می پردازد. از این رو می توان گفت که نظام های آموزشی بر محور برنامه های درسی می چرخند، چرخه نظام آموزش و پرورش بدون یک نظام آموزش عالی پیشرو تکامل نخواهد یافت. آموزش عالی نه تنها یکی از حقوق اولیه افراد جامعه است بلکه زیربنای توسعه همه جانبه و پایدار نیز می باشد. برنامه ریزی درسی می تواند بازوی مستحکم آموزش عالی بوده و در تبیین فرآیند یاددهی- یادگیری، طراحی و ساختار برنامه درسی به عنوان هدایت گر نظام آموزش عالی کشور باشد. در این راستا محورها و موضوعات خاصی مطرح می شود که نیازمند تبیین و بررسی هستند؛ این موضوعات عبارتند: نیازسنجی آموزشی، منابع انتخاب اهداف، منابع انتخاب محتوا، سازماندهی محتوا، فعالیت های یادگیری، جامعه و موضوع درسی، انتخاب روش های درسی مناسب، بهره گیری از انواع ارزشیابی ها و فنون مناسب ارزشیابی و جایگاه مدرس در برنامه های درسی دانشگاهی با توجه به محورهای یادشده در تدوین برنامه درسی از اهمیت خاصی برخوردار است. بدین ترتیب طراحی الگوهای تدوین برنامه درسی مفید و کارآمد در آموزش عالی در راستای تحقق اهداف ارزشمند آموزش عالی در جهت توانمندسازی آن ها و صلاحیت حرفه ای تدیون برنامه درسی بسیار حائز اهمیت است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که تدوین برنامه درسی فرآیندی است که به منظور تشخیص نیازها، تهیه اهداف اختصاصی، شناسایی و سازماندهی محتوا، انتخاب روش و تهیه مواد مورد نیاز جهت ارزیابی آموزش و فراگیر مورد استفاده قرار می گیرد.

واژگان کلیدی:
برنامه درسی ، تدوین برنامه درسی ، آموزش عالی

مقدمه

یکی از مهمترین مسائل بشر در تمام ادوار تاریخی مقوله تعلیم و تربیت و پرورش نسل جوان برای ورود به اجتماع و جامعه پذیری آنان بوده است. زیرا بشر برای دوام بقای نسل از کنترل و کارگردانی محیط خویش به مدد نیروی اندیشه بوده و آن چه را که در این رهگذر تجربه کرده می بایست به نسل جوان منتقل نماید. به همین دلیل می توان گفت در کهن ترین دوران های تاریخی، تعلیم و تربیت از بارزترین دل مشغولی های جوامع بوده است. به این اعتبار می توان ادعا کرد که قدمت تعلیم و تربیت به قدمت بشریت است. رشد و توسعه حوزه شتابان برنامه درسی، خصوصاً وجود دیدگاه ها، نقطه نظرات و برداشت های گوناگون زمینه ساز ظهور مفاهیم و قلمروهای جدید برای این رشته نوبنیاد است. اهمیت و ضرورت روشن سازی مفاهیم اساسی رشته برنامه درسی از آن روست که امروزه متخصصین رشته برنامه درسی یکی از مهمترین مسائل این رشته را مسائل تعریفی یا ترمینولوژی می دانند و برخی دیگر نیز جدیت و حاد بودن مسائل مرتبط با اختلاف نظر در مفاهیم بنیاد را عامل مهمی در به سقوط کشاندن این قلمرو در قرن آینده تلقی می کنند. (فتحی واجارگاه)

عصری که در آن هستیم عصر تغییرات و تحولات شتابنده است و در چنین فضایی دانشگاه ها به منظور حفظ و بقاء خود و همچنین به منظور دستیابی به رشد و تعالی باید آماده تحولات و رویایی با تغییرات باشند و خود را با تحولات آن هماهنگ سازند.(Domas & Hanchin, 2010)

از این رو جهان هم اکنون وارد عصر جیددی شده که دارای تحولات عمیق و گسترده است؛ در واقع این تغییرات بیش از نیم قرن است که در حال بروز و رخ دادن است. (Ginkel, 2002)

از سویی دیگر، در قرن حاضر پیشرفت فناوری، تغییرات سریع و پیدیه جهانی شدن بر تمام ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوامع بشری تأثیر گذاشته است. همگام با این تغییرات رو به رشد، انتظارات جامعه از نظام آموزشی نیز هر روز تغییر یافته و موجب آن شده تا دست اندرکاران، مدیران و مدرسان پاسخگویی به نیازهای فراگیران را در اولویت کار خود قرار دهند. (شاه طالبی و همکاران، ۱۳۹۴) در این میان دانشگاه ها یکی از مهمترین اجزای نماد آموزش و از مهمترین عوامل شکل دهی جهان آینده تلقی می شوند. به دلیل دگرگونی های شدیدی که امروزه دنیای آموزش عالی را تحت تأثیر قرار داده، اهداف، برنامه ها و جهت گیری های دانشگاه ها بیش از پیش در کانون توجه واقع شده اند که یکی از مهمترین و حساس ترین حیطه های تصمیم گیری در نظام آموزش عالی، حیطه برنامه های آموزشی و درسی است. (عارفی، ۱۳۸۹) بر این اساس برنامه های درسی که قلب مراکز دانشگاهی به شمار می آیند آینه نقش ها و اهداف آموزش عالی و شایسته توجه دقیق هستند. (Rinoalds &Hanook, 2010)

روش تحقیق

در این پژوهش جمع آوری اطلاعات با بررسی نظری و اطلاعات مورد نیاز ان برای پاسخگویی به پرسش ها از طریق اسناد و مدارک کتابخانه ای و جستجو در شبکه جهانی اینترنت و مرور سایه پژوهش ها و ارائه چند فرایند تدوین و بازنگری برنامه درسی انجام شد.

برنامه درسی

برنامه درسی، معادل فارسی واژه Curriculum و معرف یکی از رشته های تحققی حوزه تعلیم و تربیت است. این واژه ریشه در واژه لاتین Currere دارد که به معنای "میدان مسابقه" میدانی برای دویدن است(مهر محمدی ۱۳۸۷). برنامه ریزی درسی شامل سازماندهی یک سلسله فعالیت های یاددهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده هاو ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است. یکی از مهم ترین عنصر نظام آموزشی عالی و دانشگاهی ما برنامه درسی هستند که نقش تعیین کننده و غیرقابل انکاری را در راستای تحقق اهداف و رسالت های آموزش عالی، از نظر کمی و کیفی ایفا می کند

(فتحی واجارگاه ۱۳۸۸). برنامه های درسی آموزش عالی از جمله عوامل و عناصری هستند که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش عالی نقش بسزایی دارند.زیرا اصلی ترین وبنیادی ترین ابزار برای فراهم آوری دانش، تجربه ومهارت دانشجویان برای عرضه خدمات به جامعه است(نیلی وهمکاران۱۳۸۹).از این روی دراین مقاله با توجه به اینکه یکی از مقوله هایی که در برنامه درسی بیشترین کاربرد را دارد مقوله تدوین برنامه درسی است وبا در نظرگرفتن اهمیت برنامه درسی در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش عالی ، تلاش خواهد شد وضعیت موجود فرایند برنامه ریزی درسی وچالش های پیش روی حاصل از این فرایند در گروه های علوم انسانی ، پایه وفنی مهندسی مورد بررسی ومقایسه قرار گیرد. با امید که با شناسایی شکاف بین وضع موجود ومطلوب راهکارهایی در جهت دستیابی به وضع مطلوب ارائه گردد.(غلامیان، رضا. ماشینچی ،علی اصغر)

اهمیت و اهداف برنامه های درسی در دانشگاه ها

مشخص بودن اهدف آموزش وپرورش بسیار اهمیت دارد. ضرورت تدوین هدف ها وقتی بارزتر می شود که حاصل فرآیند هدف گذاری را تحلیل کنیم. وقتی هدف ها به هدف های رفتاری تبدیل می شوند از جمله مهمترین ملاک های محتوا به شمار می رود. اصولاً هدف ها را ملاک های انتخاب محتوا و تنظیم روش های آموزش و تدارک وسایل اندازه گیری می دانند. هدف ها مقاصدی هستند که کلیه قسمت های برنامه درسی در جهت آن در حال حرکت است. برنامه درسی و مبانی آن جایگاه ویژه ای در آموزش و پرورش دارد. ارنشتاین و هانکینز (۱۹۹۷) معتقدند که مبانی برنامه درسی حدود و ثغور مرزهای خارجی برنامه درسی را مشخص کرده است و تعیین می کند که کدام منبع اطلاعاتی معتبر از کدام نظریه ها، اصول وایده های قابل قبول ، به برنامه درسی مرتبط می شوند. تصمیم در مورد عناصر برنامه های درسی در چارچوب مبانی نظری منسجم سامان می یابد و دیدگاهی از برنامه درسی را شکل می دهد (دائی زاده و همکاران ۱۳۸۶). از طرف دیگر برنامه های درسی از مهم ترین ابزارها و عناصر تحقیق بخشی به اهداف و رسالت کلی نظام آموزش عالی است. از این رو برنامه درسی که قلب مراکز دانشگاهی به شمار می آید شایسته توجه دقیق است. برنامه ریزی درسی دانشگاهی در دنیای امروز می تواند فرصت های فراهم آمده در قلمرو فناوری اطلاعات و ارتباطات را در جهت بهبود و بازسازی فرآیندهای خود به کار گیرد. و چالش های پیش روی را در عصر اطلاعات و ارتباطات از میان بردارد. برنامه های درسی از مهمترین ابزار و عناصر تحقق بخشیدن به اهداف و رسالت های کلی دانشگاهی هستند و طبیعتاً همراه با تغییر محورهای اصلی مورد توجه دانشگاه ها آن ها نیز از تغییرات لازم برخوردار شوند. میتوان اهداف اساسی برنامه های درسی در آموزش عالی را بر مبنای توجه به اهداف و رسالت های کلی آموزش عالی را در چند جمله مطرح نمود: ۱) حیطه تخصصی، ۲) حیطه پرورش و توسعه دانش ۳) حیطه پرورش معلمان و مربیان، ۴) حیطه آموزش عمومی. شناسایی اهداف عمده برنامه های درسی در دانشگاه ها به عنوان یکی از ابعاد مهم در آموزش عالی محسوب می شود.

تصمیم گیرندگان برنامه درسی

یکی از مهم ترین مباحث مربوط به فرآیند برنامه درسی، بر اساس الگوهای ارائه شده توسط صاحب نظران این رشته، تعیین ترکیب افراد و عناصر دست اندرکار تصمیم گیری درباره برنامه است. این موضوع از آن حیث حائز اهمیت جدی است که نقش تعیین کننده در جهت گیری و کیفیت محصول با برنامه درسی دارد. به دیگر سخن می توان انتظار داشت که به تناسب عناصر اساسی صاحب نفوذ در این فرآیند برنامه درسی از خصوصیات، ویژگی ها و کیفیت مفاوی برخوردار باشد. اجتماع امروز از معلمان به عنوان کسانی که رسالت تربیتی دارند و از شاگردان به عنوان آینده سازان فردا انتظارات دیگری دارد. در آینده ما به افرادی نیازمندیم که بتوانند خودشان را رهبری کنند، تصمیم گیرنده باشند، با مسائل برخورد کرده و آن ها را حل کنند و در امور تفکر کنند. نظام های آموزشی در گذر از مسائل کمی و همگانی کردن آموزش ناگزیر از توجه به مسائل کیفی پدیده های آموزشی هستند و ارتقای کیفیت آموزشی را ضمن توجه به منابع و تجهیزات از طریق اصلی ترین عامل در یک نظام آموزشی یعنی معلم مورد توجه و هدف گیری قرار داده اند (Shovab,1983) معلم را عضو اصلی گروه های تصمیم گیرنده برنامه

درسی به حساب می آورد و می گوید: اولین پاسخ به این سؤال که چه کسی عضو اصلی گروه های تصمیم گیرنده درباره برنامه درسی باشد، معلم است. اما معلمان در نظام برنامه ریزی درسی کشور ایران، حلقه واسطه برنامه درسی مصوب با اجرای عملی آن هستند. به این معنا که ان ها در فرآیند برنامه ریزی درسی نقش اساسی ندارند و اغلب برنامه های طراحی شده توسط سازمان مرکزی متصدی تهیه برنامه درسی در سطح وزارت آموزش و پرورش را به مرحله اجرا در می آورند. در این نظام برنامه های درسی ابلاغی به مدارس باید دقیقاً مطابق دستورالعمل های ابلاغ شده به اجرا درآیند و ماهیت نظام برنامه ریزی درسی از نوع برنامه های درسی مقاوم در برابر معلم است.

یادگیرندگان در تدوین برنامه های درسی

در زمینه توجه به نقش و جایگاه یادگیران در تدوین برنامه های درسی مربوط به آنها، رویکردهای گوناگونی وجود دارد. گروهی معتقدند هر آنچه نیاز یادگیرنده است در کلاس درس با حضور خود آنها تعیین خواهد شد و هیچگونه هدف آموزشی ازپیش تعیین شده‌ای، ضرورت ندارد(کریمی،۱۳۹۲). عدّه‌ای بر نیازسنجی آموزشی قبل از تدوین برنامه و لحاظ کردن نیازهای یادگیرنده در برنامه های درسی تاکید دارند. برخی نیز معتقدند یادگیرنده هم عضوی از جامعه است و بزرگسالان بهتر از خود آنان نیازهای آنها را می دانند و آن نیازها را در برنامه های درسی آنها لحاظ می نمایند. همچنین باور عدّه‌ای هم بر آن است که موضوعات درسی و دانش را باید در خدمت نیازیادگیرنده و استعدادهای ایشان به‌کار گرفت. در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران که به صورت متمرکز عمل می شود، برنامه های درسی را نهاد مرکزی تهیه و تدوین می نماید و مناطق و مدارس به اجرای وفادارنهٔ آن ملزم می باشند. از جمله معایب این نوع نظام های برنامه ریزی درسی متمرکز اینکه چون اکثر تصمیم گیرندگان برنامه های درسی با نیازها، شرایط و امکانات موجود در کلاس و مدرسه آشنایی کاملی نداشته و از نیازها و علائق جدید دانش آموزان و معلمان و اولیاء به عنوان مخاطبان اصلی برنامه های درسی اطلاع کامل ندارند، ممکن است برنامه های درسی و محتواهای آموزشی تهیه و تدوین نمایند که درصد پایینی از اهداف درنظر گرفته شده، تحقق یابند .وجود این آسیب در نتایج مطالعات انجام شده در خصوص ارزشیابی از برنامه های درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده فراوانی(حسنی،۱۳۹۱؛ تورانی،۱۳۹۲؛ امین خندقی، ۱۳۹۲؛ احقر،۱۳۹۳؛...) اذعان شده است و حکایت از تحقق نیافتن بخش زیادی از اهداف قصد شده و یا به نوعی فاصله بین اهداف قصد شده، اجرا شده و کسب شده است. از جمله راهکارهایی که برای کاهش این آسیب پیشنهاد شده است، ارتباط نزدیک برنامه‌ریزان و مولفان کتاب‌های درسی با مخاطبان محصولات خود یعنی دانش آموزان، معلمان و اولیاء است.در واقع تدوین برنامه های درسی باید به گونه ای باشد که رای تمام دانش آموزان (دانش آموزان عادی، دانش آموزان با نیازهای ویژه و استعداد های درخشان) بصورت به هم پیوسته و یکپارچه طراحی و تدوین شود. این برنامه‌ها باید با رعایت انعطاف پذیری، با نیازهای هریک از گروه های دانش آموزان با استعداد های خاص انطباق و سازگاری داده شود(شورای عالی آموزش و پرورش،۱۳۹۱،ص۱۱).برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه دانش آموز در فرایند یاددهی یادگیری و تربیت پذیری توجه نماید و زمینه تقویت و توسعه روحیه پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت وکارآفرینی را در وی فراهم سازد. باید به نیازهای گوناگون دانشجویان و جامعه در سطوح محلی ، منطقه ای ، ملی و جهانی در کلیه ساحت های تعلیم و تربیت تاکید کند .وبرنامه‌های درسی وتربیتی باید ضمن تاکید بر ویژگی های مشترک، به تفاوت‌های ناشی از محیط زندگی (شهری، روستایی، عشایری، فرهنگی و جغرافیایی)،جنسیتی و فردی دانش آموزان (استعدادها، توانایی‌ها، نیازها و علایق) توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشد.بطوری که زمینه مشارکت و تعامل مؤثر ، معلمان، دانش آموزان وسایرگروه های ذینفع، ذیربط و ذیصلاح را در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌ها فراهم نماید.زیرا شناسایی نیازهای واقعی دانشجویان از طریق مشارکت آنها در ارزشیابی برنامه های درسی است.

اهمیت الگوهای برنامه درسی

انتخاب الگوی برنامه درسی به سادگی گفتن آن نیست. هر الگو، از مجموعه ای از قرض ها نشأت می گیرد که شامل مواردی چون؛ مقاصد و هدف های کلی تعلیم و تربیت، منابع اهداف ویژگی های فراگیران، طبیعت فرآیند یادگیری، نوع جامعه مورد نظر و در آخر طبیعت دانش یا معرفت می شود. علاوه بر موارد فوق، الگوی انتخاب شده، راهبردهای آموزش نقش معلمان و فراگیران، مواد آموزشی و راهبردهای ارزشیابی را تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین انتخاب الگوی مناسب یک وظیفه تخصصی پیچیده است که نیازمند دانشی از الگوهای مختلف و ممکن بر روی ان هاست. به نظر تایلر مبانی اساسی که یک طراح برنامه ریزی درسی باید به ان توجه نماید سه منبع فراگیر، جامعه و رشته علمی است. بر اساس منابع، هدف های عمومی انتخاب می شود. او عقدیه دارد که برای تلطیف هدف های تربیتی با بیان دقیق آن ها، برنامه ریزی باید از دو منبع اساسی "فلسفه تربیتی" و "روانشناسی یادگیری" استفاده کنند و هدف ها را به صورت هدف های آموزشی درآورند. (شریعتمداری، ۱۳۷۷) طراحان برنامه های درسی برای بیان هدف های تربیتی اطلاعاتی را در مورد نیازها و تمایلات فراگیران جمع آوری می کنند و آن ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند؛ برای این کار باید نیازها را در همه زمینه های تربیتی، اجتماعی، حرفه ای، بدنی، روانی و تفریحی بررسی کنند. طراحی الگوهای تدوین برنامه درسی مفید و کارآمد در آموزش عالی در راستای تحقق اهداف ارزشمند آموزش عالی و کمک به اعضاء هیئت علمی در جهت توانمندسازی ان ها در صلاحیت حرفه ای تدوین برنامه درسی از اهمیت خاصی برخوردار است. لونبرگ (۲۰۰۰) با مطالعه موردی الگویی برای برنامه ریزی درسی مؤثر و تجدیدنظر در برنامه های درسی با بیان جهت گیر یهای کلی صنعت و تجارت، نیاز روزافزون به بازسازی برنامه های درسی و اصلاح روش های تدریس در آموزش عالی را مورد تأکید قرار داده است. اعضای هیئت علمی در ارتباط با کلاس و دانشجویان، بسیاری از نیازهای واقعی ان ها را شناسایی و در انعکاس آن به شورای برنامه ریزی درسی نقش مهمی ایفا می کند. انعکاس نیازها و اطلاعات واقعی برای لحاظ کردن ان ها در تهیه برنامه درسی از اعضاء هیئت علمی یک عامل عمده مشارکت کننده در فرآیند برنامه ریزی درسی ساخت است.

انتخاب و سازماندهی محتوا در برنامه درسی

منظور از محتوا عبارت از دانش سازمان یافته و اندوخته شده ، اصطلاحات ، اطلاعات ، واقعیات ، قوانین و اصول ، روش ها ، مفاهیم ، تعمیم ها ، پدیده ها و مسائل مربوط به یک ماده علمی است . محتوا چیزی است که قرار است آموزش داده شود . محتوا شامل کلیه مطالب ، مفاهیم و اطلاعات مربوط به یک درس مورد نظر است خواه به عنوان بخشی از متن یک کتاب باشد ، خواه توضیحات ، حواشی و سایر اجزای جانبی آن درس . برخی از برنامه ریزان هستند که حیطه شناختی را در برنامه های درسی اولی تر به حساب می آورند . از منظر این گروه محتوا خلاصه ای از حقایق ، مفاهیم ، تعمیم ها ، اصول و نظریه های مشابه دانش در رشته مورد نظر است . قبل از انتخاب محتوا ضروری است رویکرد مورد نظر را معین نمایند. محتوای برنامه درسی از زمان پیدایش آموزش های رسمی در کشور ما مدام از روش های به کار برده شده در طراحی برنامه درسی متاثر شده است . تا قبل از انقلاب اسلامی محتوای برنامه درسی برای انتقال معرفت گرد آوری شده انسانی به جوانان در حول رشته های علمی سازمان دهی می شد . در این دیدگاه ، دانش ها و مهارتهای مورد نیاز بزرگسالان محتوای شرع برنامه های درسی را تشکیل می داد . فرض بر این بود که سازمان دهی برنامه درسی حول رشته های علمی بهتر می تواند به نیازهای دوره بزرگسالی پاسخ دهد. توجه به نیازها و تواناییهای فراگیران در مراحل مختلف رشد و رعایت نیازها و الزامات اجتماعی در تدوین اهداف و گزینش محتوا ، کمتر از حد مطلوب مورد توجه قرار گرفته است . با این لحاظ برنامه درسی از توان لازم برخوردار نیست. امروزه دانشگاه ها باید بر اساس نیاز سنجی ها ، خود را با نیازها ، علایق و قابلیتهای فراگیران ، تحولات رشد در مخاطبین هماهنگ نمایند و این نیازها را به طور عام مورد شناسایی قرار دهند . تحولات اجتماعی در محتوای برنامه درسی تاثیر وسیعی داشته است . برخی از نقش ها امروزه از خانواده گرفته شده است و به دانشگاه ومدارس واگذار شده است هم اکنون از مدارس خواسته می شود تا مسئوولیتهای بیشتری را در آموزش بر عهده گیرند. از جمله عواملی که محتوای برنامه

درسی را امروزه تحت تاثیر قرار داده است مساله انفجار علوم است . انفجار دانش بشری برنامه درسی را به شکل های مختلف تحت تاثیر قرار داده است برای مثال سازمان دهی دانش رویکردهای برنامه درسی ، روش های یاددهی – یادگیری و شیوه ارزشیابی دچار تحول شده است. محتوای برنامه درسی ممکن است که بر مبنای میراث کهن و تحولات علمی در حال حاضر و نیازهای آینده انتخاب شود . بدین لحاظ برنامه درسی به لحاظ زمانی ممکن است که خصلتی گذشته گرا ، محافظه کار و پیشرو پیدا کند و هر یک از این رویکردها ، محاسن و معایب خاص خود را دارد. توسعه فناوری ، منابع را تنوع بخشیده است . پیدایش انواع رسانه ها نه تنها جریان یادگیری را تسهیل کرده است و یادگیرنده را از انحصار کتاب درسی خارج نموده است بلکه سرعت یادگیری نیز افزایش پیدا کرده است . رایانه ها امروزه با کاربری های متفاوت در فرایند تدریس مطرح شده اند . برنامه درسی در نهایت برای آماده کردن افراد به زندگی ، رشد همه جانبه شخصیت فراگیران ، تربیت انسان مطلوب ، افزایش کارایی اجتماعی و اقتصادی مطرح می شود . مدارس تا چه اندازه به این اهداف دست یافته اند و بالاخره برنامه درسی اعم از آشکار و پنهان تا چه اندازه به ایجاد روحیه شاد و امید بخش در مخاطبین منجر شده استدر نظام های آموزشی متمرکز نظیر ایران معمولا محتوا در قالب کتب درسی ارائه می شود و کتاب محور آموزش و یادگیری است و به همین اعتبار فقدان آن موجب سرگردانی مربی و فراگیر می شود بویژه که ارزشیابی از میزان یادگیری در چنین شرایطی اغلب موکول به محتوای کتاب است و شاید بی دلیل نباشد که چنین نظام های آموزشی را کتاب محور می نامند و نقطه مقابل آن را برنامه محور تلقی می کنند . این بحث بخصوص در دوره های آموزشی عمومی بیشتر مصداق دارد . در دوره های تخصصی نظیر آموزش عالی وضعیت متفاوت است و یا متفاوت باشد در این دوره اخیر ، لزوم استفاده از کتاب ها و منابع متعدد آموزشی بیشتر از دوره های آموزش عمومی است و عمدتا در این دوره دانشجو با استفاده از منابع قابل دسترس ، به تولید مطالبی جدید بر اساس یافته های خود اقدام می نماید. محتوا باید دارای این ویژگی ها باشد: معرفی اندیشه های یک رشته علمی ، بوجود آورنده درکی روشن از ساختار بنیادی رشته علمی تفهیم کننده روش های بررسی با استفاده از مثال و مسئله ، جهان شمول بودن مفاهیم و اصول انتخاب شده ، برقرار کننده تعادل میان سهل و مشکل ، فراهم کننده فرصت تقویت تخیل فراگیر در ارتباط با هدف های عینی و دارای اعتبار و روائی کافی. درواقع محتوای کتاب درسی بخشی از جلوه عینی برنامه درسی است و شامل دانش ها ، مهارتها ، نگرش ها و ارزش هایی است که می بایست یاد گرفته شود . بنابر اهمیت موضوع در انتخاب محتوای کتابهای درسی اصول و معیارهایی را مورد توجه قرار می دهند، معنی دار بودن محتوا برای مخاطب ، تناسب با تجارب قبلی مخاطب ، داشتن جذابیت ، عملی بودن ، تناسب با جنسیت ، داشتن اهمیت و متناسب بودن با سطح رشد مخاطب از جمله ملاک هایی برای انتخاب محتواست سازمان دهی محتوا شاید مهم ترین مرحله ی برنامه ریزی درسی را تشکیل دهد . در این مرحله گروه برنامه ریزی درسی با توجه به تصمیماتی که در بخش طراحی برنامه درسی اتخاذ نموده است به تولید و شکل دهی محتوا و سازمان دهی آن با توجه به فعالیتهای یاددهی – یادگیری مورد نظر می پردازد. علاوه بر ضرورت توجه به انتخاب محتوا ، لازم است سازمان دهی آن نیز به صورت مناسب انجام شود. ممکن است یک محتوای خوب بدون سازمان دهی مناسب ، در یادگیری موثر نباشد . سازمان دهی محتوا یعنی ترتیب ارائه محتوای آموزشی بر پایه ملاک های مشخص.

تعیین استراتژی های یادگیری در برنامه درسی

دانشگاه ها منبع الهام بخش و عامل رشد و پیشرفت هر جامعه ای محسوب می شوندآنها درعصری که پایه و بنیان آن بر خردورزی و جهل ستیزی قرار دارد، نقش یگانهای در تحقق آرمان های بشری همچون عقلگرایی، صلح و عدالت و اخلاق (آراسته و فاضلی ماسوله، ۱۳۹۰) و نیز تربیت و تامین سرمایه انسانی جوامع دارند .دانشگاه ها مأموریت های مختلفی نیز بر عهده دارند. اکثر صاحبنظران سه مأموریت اصلی دانشگاه راآموزش ، پژوهش و خدما ت اجتماعی می دانند در این میان، از رویکردی فنی می توان گفت اعضای هیات علمی دانشگاه ها بزرگترین نقش را در بهبود کیفیت آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی ایفا می کنند و عملکرد آنها در این زمینه نقش محوری دارد. تحقق یک آموزش اثربخش در هر موسسه آموزشی، مستلزم شکل گیری یک جریان یاددهی –یادگیری کارآمد است.یادگیری درآموزش عالی، متشکل از اجزای مختلفی می باشد

که می توان آنها را با دیدی جامع در چارچوب یک نظام رفتاری اثربخش مورد بررسی قرار داد. تحقیقات انجام شده در زمینه یاددهی -یادگیری اغلب بر چارچو ب ها، سبک ها، مهارت ها و راهبردهای یادگیری متمرکز بوده و همچنین عوامل موثر بر یادگیری و مطالعه را مورد بررسی قرارداده اند، اما در هیچ یک از تحقیقات صورت گرفته جریان یاددهی -یادگیری به صورت یک نظام رفتاری منسجم مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است .بنابراین ضروری است رویکردی سیستمی و نگرشی جدید در زمینه یاددهی –یادگیری در قالب یک نظام جامع اثربخش توسعه داده شود. یاددهی -یادگیری هسته فعالیت های دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی میباشد و توجه به آن می توان در بهبود عملکرد اعضای هیات علمی، بهبود و توسعه مدیریت فرایند یاددهی -یادگیری و به تبع آن تربیت شایسته سرمایه انسانی، و در نتیجه رشد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور را در پی داشته باشد. آموزش شاهراه توسعه و تامین پایدار سرمایه انسانی است .در مراکز آ موزش عالی، اعضای هیات علمی مهمترین نقش را در تحقق اهداف آموزشی بر عهده دارند .آگاهی اعضای هیات علمی از اصول و روش های علمی در زمینه این مسئولیت خطیر خود میتواند نقشی اساسی در اثربخشی فعالیت های آموزشی در مراکز آموزش عالی داشته باشد .در نظام آموزش عالی کنونی ما می توان مهمترین وظیفه اساتید را مدیریت جریان یاددهی -یادگیری دانست .فرایندی که حاصل تعامل یاددهنده و یادگیرنده و عوامل تشکیل دهنده نظام یاددهی -یادگیری می باشد .گسترش فهم و شناخت اساتید از یاددهی -یادگیری در آموزش عالی می تواند منجر به شناخت نقاط قوت و ضعف خود در مدیریت جریان یاددهی -یادگیری و اصلاح و بهبود این جریان گردد .تحقق این مهم مستلزم وجود چارچوب ها یا الگوهای مناسبی است بتوانند مبنای ساده ای برای آشنایی، تامل و اقدام اعضای هیات علمی در زمینه ارزیابی و توسعه فعالیتهای خود در زمیته یاددهی و یادگیری فراهم آورند.

ارزشیابی برنامه درسی

بدون تردید، برنامه های درسی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی در توفیق و یا شکست این مؤسسات، نقش کلیدی و بسیار تعیین کننده ای ایفا می کنند. به عبارت روشن تر، برنامه های درسی آینه تمام نمای میزن پیشرفت و انعکاس از پاسخگو بودن دانشگاه ها به نیازهای در حال تغییر جامعه هستند. از لحاظ ماهیت، انسان اساساً موجودی است ارزیاب. به این اعتبار ما انسان ها در بسیاری از امور و قبل، ضمن یا پس از انجام کاری دست به ارزیابی می زنیم و در اغلب موارد بسیاری از تصمیمات را بر اساس این ارزشیابی اتخاذ می کنیم و اقدامات ؟؟؟ را دنبال یا قطع می نماید. ارزشیابی فرآیندی است که قبل از تدوین، ضمن طراحی و اجرای برنامه و نیز پس از اجرای برنامه درسی صورت می پذیرد. بنابران مولفه ارزشیابی دارای یک نقش محوری و در عین حال تعاملی با سایر مؤلفه ها و مراحل برنامه ریزی درسی است (فتحی واجارگاه). ارزشیابی برنامه درسی به عنوان یک طرح برای فراهم آوردن مجموعه فرصت های یادگیری، باید شامل ارزشیابی برای سازماندهی حیطه های برنامه درسی، دوره های پیشنهادی، مجموعه فرصت های یادگیری فراهم امده، خدمات فراهم شده برای فراگیران و انواع ارتباطات غیررسمی باشد. در ارزشیابی برنامه درسی با استفاده از استانداردها به بررسی و قضاوت در مورد وضعیت موجود برنامه ها و طرح ها پرداخته می شود. ابزارهای ارزشیابی باید دارای سه ویژگی روایی، پایایی و عملی بودن باشد. همچنین در ارزشیابی برنامه درسی، داوری های ارزشیابان و طرح ریزان برنامه درسی بر اساس همه یافته های جمع آوری شده است.

همخوانی بین بازده های حاصل به وسیله برنامه درسی و بازده های مورد نظر باید مورد آزمایش قرار گیرد. ارزشیابان ضمن ملاحظه نقاط ضعف و قوت برنامه که با یک تحلیل فنی، آشکار شده است. تصمیم می گیرند که آیا برنامه را ادامه داده یا تغییر دهند و یا آن را متوقف نمایند. (خویی نژاد، ۱۳۸۰)

ارزشیابی از برنامه درسی به منظور کنترل و قضاوت و در نهایت اصلاح برنامه درسی انجام می گیرد در صورتی یک برنامه درسی می تواند اثربخش باشد و این اثربخشی را حفظ نماید که ارزشیابی از برنامه به صورت فرآیندی مستمر و مداوم صورت پذیرد و در صورتی ارزشیابی کاربردی و مفید خواهد شد که بازخوردی مطابق با نتیجه ان در نظر گرفته شود. ارزشیابی، تنها مرحله خاصی از برنامه درسی را شامل نمی شود؛ بلکه به منزله روح برنامه ریزی است و از اولین اقدام و مرحله برنامه ریزی،

یعنی نیازسنجی شروع می گردد و همچنین ضروری است دیگر مراحل برنامه درسی مانند تدوین اهداف نیز مورد ارزشیابی قرار گیرد. (احمد هاشمی)

بحث و نتیجه‌گیری

درهر جامعه ای متخصصان تعلیم وتربیت اعتقاد دارند که شکوفایی و رشد وسعادت اجتماع به کمک نظام تربیتی مترقی وعلمی وسالم حاصل می گردد .به عبارتی یکی از طریق اساسی افزایش بهره وری وتسریع رشد یافتگی فرهنگی ، اقتصادی واجتماعی اعتلاء کیفیت نیروی انسانی است. که این ارتقاء وتکامل به مدد تعلیم وتربیتی فعال وپویا وسازنده امکان پذیراست. چنین امکانی هنگامی فراهم خواهد شد که دست اندرکاران نظام آموزشی جهت دستیابی به این امر مهم به برنامه ریزی سنجیده آموزشی ودرسی اقدام نمایند . محتوای برنامه های درسی دربرگیرند اساسی ترین خط مشی ها برای رسیدن به هدفهای آموزش وپرورش است. بنابراین لازم است درتهیه وتدوین آنها نهایت دقت اعمال شود تاجوابگوی نیازهای ناشی ازتحولات سریع علمی وتکنولوژی واقتصادی اجتماعی باشد. بنابراین اهدافی که نظام آموزشی به دنبال تحقیق آنها است باید از انتقال حرف معلومات فراتر باشد بدین معنی که بازده آموزش باید افرادی باشند که به جای تکرار کارها و اعمال گذشتگان در پی کارهای نوینی باشند که به تولید علم بیفزاید و این ها افرادی باشند دارای ذهنیت فلسفی و خلاق با روحیه ای انتقادی و با شخصیتی فعال و پویا . و به این مهم نمی توان دست یافت مگر با استفاده از برنامه های درسی فعال و گسترش روش های یادگیری فعال.(غلامیان. ماشینچی)

برنامه های درسی حسابگرانه همراه با آینده نگری، جامعیت، انعطاف پذیری آگاهانه و مداومت امری ضروری است. از آنجا که برنامه های درسی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی بازتاب دهنده اهداف این مراکز است. تدوین برنامه های درسی و ارتقای کیفیت آن در ارتقاء دانش، نگرش و مهارت فراگیران تأثیر چشمگیری دارد. پس چگونگی تدوین و بازنگری برنامه های درسی با توجه به تحولات و نوآوری های گوناگون در عرصه تبادل اطلاعات، تحولات اقتصادی، اقتصاد مبتنی بر دانش و ...توجه بیشتر متخصصان را می طلبد. از این روست که باید تدوین و اصلاح و بازنگری برنامه های درسی در دانشگاه ها باید مطابق با تحولات روز صورت گیرد زیرا تحولات جامعه باعث می گردد تا برنامه های درسی در خدمت جامعه باشد و نیازهای آن را برآورده سازد. توجه لازم از سوی مسئولان به امر ارزیابی و بازنگری برنامه های درسی آموزش عالی می تواند گامی برای مطلوب تر ساختن برنامه های درسی و در نتیجه رشد و توسعه هر چه بیشتر آن شود.

منابع

هاشمی ، سید احمد. برنامه ریزی درسی (اصول وکاربرد) ویرایش دوم، انتشارات تایماز، سال ۱۳۹۵.

مهر محمدی، محمود، ۱۳۸۷، تحلیلی بر سیاست کاهش تمرکز از برنامه ریزی درسی در آموزش عالی ایران

فتحی واجارگاه ، کوروش، ۱۳۸۸، شرایط وزمینه های مشارکت اعضای هیات علمی در فرایند برنامه ریزی درسی دانشگاهی

کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۹۲، تربیت چه چیز نیست. تهران: منادی تربیت

امین خندقی، مسعود، ۱۳۹۲، ارزشیابی از برنامه درسی هدیه های آسمان پایه سوم ابتدایی. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

تورانی، حیدر، ۱۳۹۲، ارزشیابی از برنامه درسی تفکر و پژوهش پایه ششم ابتدایی. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱، برنامه درسی ملی، با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

احقر، قدسی، ۱۳۹۳، ارزشیابی از برنامه درسی بخوانیم و بنویسیم پایه چهارم ابتدایی. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

حسنی، محمد، ۱۳۹۱، ارزشیابی از برنامه درسی قرآن پایه سوم ابتدایی. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

نیلی، محمد رضا و همکاران، ۱۳۸۹، الزام ها و پیامدهای اجتماعی برنامه درسی پاسخگو در آموزش عالی مطالعه موردی : دانشگاه های دولتی اصفهان، جامعه شناسی کاربردی، شماره دوم.

زین الدینی میمنه، زهرا، نادری، عزت ا...، شریعتمداری، علی، سیف نراقی، مریم، ارائه الگو ؟؟؟ تدوین برنامه درسی از محورهای اساسی برنامه ریزی.

فتحی واجارگاه، کوروش، اصول و مفاهیم اساسی برنامه ریزی درسی، انتشارات علم استادارن، ۱۳۹۴.

سنتزپژوهی چالش های برنامه های درسی آموزش عالی کشور در دهه اخیر و راهکارهای پیش رو، ۱۳۹۵، دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۵.

غلامیان، رضا، ماشینچی، علی اصغر، ۱۳۹۶، فرآیندهای برنامه های درسی دانشگاهی در ایران، روانشناسی علوم تربیتی و علوم انسانی.

ترک زاده، جعفر، محمدی، مهدی، ستوده فر، سلیمه، ۱۳۹۳، مجله علمی پژوهشی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دوره چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان، ص ۱۱۶-۹۳.

آراسته، حمیدرضا، فاضلی ماسوله، طاهر، ۱۳۹۰، رتبه بندی ها و ویژگی های دانشگاه های برتر جهانی، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، شماره ۵۲، ص ۱۰۱-۸۷.

خدری نژاد، غلامرضا، ۱۳۸۰، یادگیری بهتر، آستان قدس رضوی، چاپ ششم،

هاشمی، سیداحمد، ۱۳۹۲، آموزش عالی (مفاهیم و رویکردها)، نوید شیراز.

شریعتمداری، علی، ۱۳۷۷، فرهنگستان علوم، سال پنجم، پاییز و زمستان.